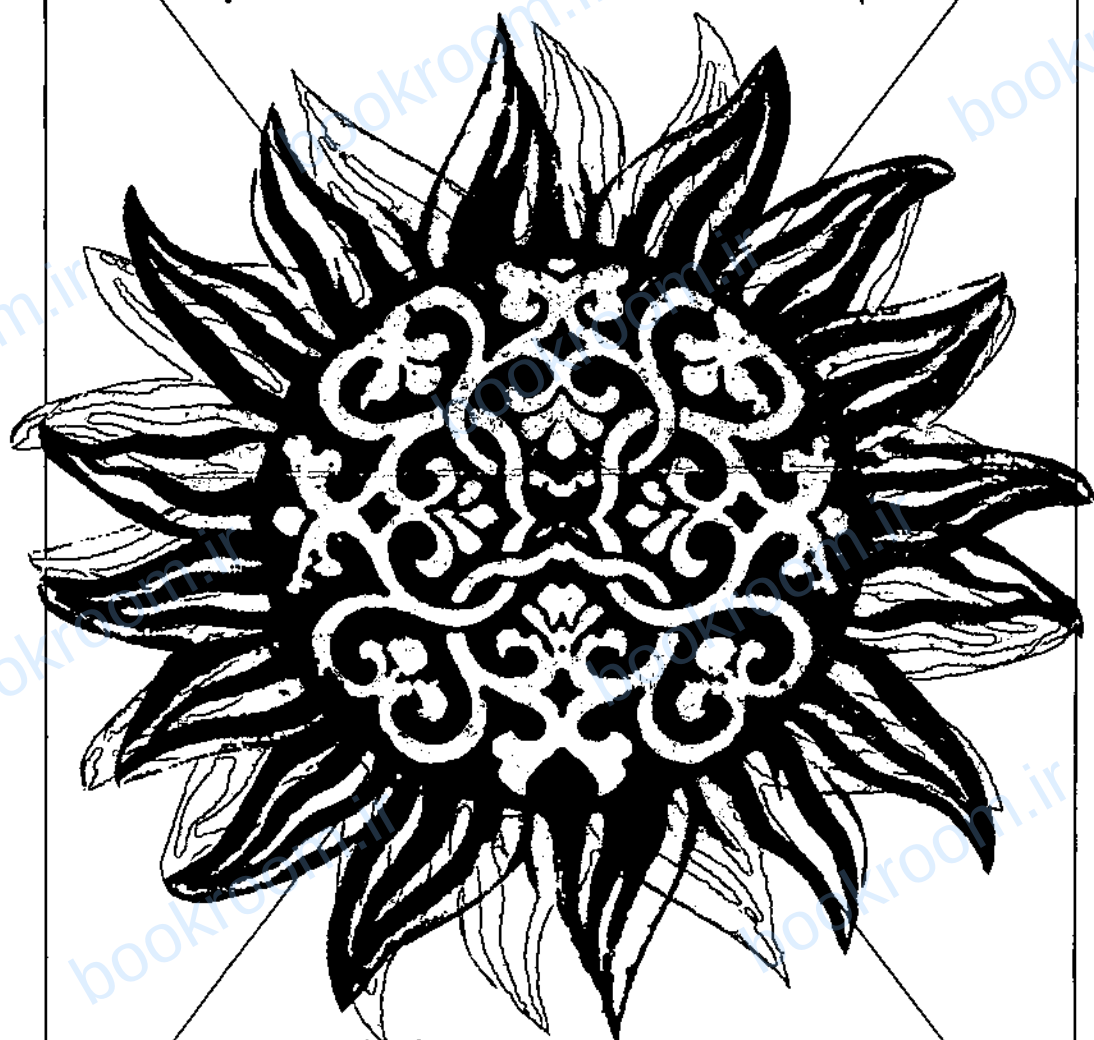


شمس و چاهارق مر

ترجمه‌ی منتخب اشعار
مرحوم آیت الله محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی)



مهدی امین فروغی / حمید گروگان
طراح گرافیک: کوروش پارسا نژاد

انتشارات کتاب اسلامی

فهرست

پیشگفتار..... ۸

حقیقت کامل حقایق، خاتم الانبیاء محمد مصطفی ﷺ..... ۱۶

نور عالم انوار، فاطمة الزهراء (علیها السلام)..... ۲۶

نقطه ی پای بسم الله، علی مرتضی (علیه السلام)..... ۴۰

باب کرامت، حسن بن علی المجتبی (علیه السلام)..... ۵۲

چراغ هدایت و کشتی نجات،

حسین بن علی سیدالشهداء (علیه السلام)..... ۶۰

مآخذ..... ۷۲



پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

روز دوم محرم سال ۱۲۹۶ هجری قمری، مردم شهر کاظمین در کار برپایی مجالس سوگواری و اقامه ی شعائر حسینی بودند؛ جامه های سیاه به تن داشتند و در و دیوار حسینه ها و تکایا و بازارها و خانه ها را سیاهپوش کرده بودند. صدای نوحه خوانها و روضه خوانها از هر گوشه و کنار به گوش می رسید و بیرقهای سیاه بر فراز بام خانه ها در اهتزاز بود.

در خانه ی معین التجار، حاج محمدحسن اصفهانی، تاجر محبوب، سرشناس و مورد اعتماد مردم، اما اوضاع دیگری جریان داشت. حاج محمدحسن که در آن زمان علاوه بر تجارت، کار ریاست کمپانی راه آهن بغداد - کاظمین را عهده دار بود، به همراه اهالی خانه، تولد نوزادش را انتظار می کشید.

سرانجام، مولودی پای به عرصه ی گیتی نهاد و صدای گریه اش با صدای گریه های عزاداران و دلدادگان حسین علیه السلام در هم آمیخت و این تقارن، تا پایان عمر پر برکت او، در اندیشه و کردار و گفتارش جلوه گر بود.

باری، کودک کاظمین متولد شد و پدرش به موجب همزمانی ولادت او با ایامی که عطر و بوی حسینی دارد، نام او را محمدحسن نهاد. و چه می دانست که این مولود، روزگاری دین محمد صلی الله علیه و آله و مرام حسین علیه السلام را چشم و چراغ خواهد شد.

محمدحسین غروی، در ابتدای جوانی به هنر خوشنویسی روی آورد. او روزها مشق خط می‌کرد و در زمانی کوتاه توانست ظرافتها و نکات دقیق این هنر را بیاموزد و مهارت او در این کار موجب حیرت همگان شد و زبانزد خاص و عام گردید. حاج محمدحسن غروی که به استعداد و نبوغ فرزندش پی برد، با تمام توان، امکانات تحصیل و ترقی او را فراهم آورد و بر آن شد تا محمدحسین را به اساتید وقت در نجف اشرف بسپارد.

محمدحسین غروی در سال ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ هجری قمری پا به حوزه‌ی بزرگ نجف اشرف نهاد و تحت تعلیم اساتید، با سخت‌کوشی و جدیت، دروس مقدماتی را طی نمود و خیلی زود در حلقه‌ی درس بزرگترین اساتید حوزه شرکت جست. روح بزرگ شیخ محمدحسین و نگاه جستجوگرش، او را بر آن داشت تا از هر چمن، گلی بچیند و از هر کس نکته‌ها بیاموزد. در شرح حالش آمده است که در حوزه‌ی نجف اشرف، پای درس این اساتید نشسته است :

- ۱- آیت الله سیدمحمد اصفهانی
- ۲- آیت الله شیخ حسن تویسرکانی
- ۳- آیت الله سیدمحمد طباطبایی فشارکی
- ۴- آیت الله حاج آقارضا همدانی
- ۵- آیت الله شیخ احمد شیرازی
- ۶- آیت الله حکیم محمدباقر اصطهباناتی شیرازی
- ۷- آیت الله العظمی آخوند خراسانی

علامه محمدحسین غروی، مراحل تحصیل و کمال را یک به یک پشت سر گذاشت و دیری نیابد که بزرگان بسیاری برای ایشان اجازه نامه‌ی روایتی نوشتند که از میان آن مشایخ می‌توان به نام علمای ذیل اشاره کرد :

- ۱- آیت الله حاج میرزا حسین نوری طبرسی (محدث بزرگ شیعه و گردآورنده مجموعه‌ی روایتی مستدرک الوسائل)
- ۲- آیت الله سیدحسن صدرالدین موسوی، معروف به صدر کاظمی (مؤلف کتاب تأسیس‌الشیعه)
- ۳- آیت الله میرزا محمدباقر اصطهباناتی شیرازی
- ۴- آیت الله شیخ احمد شیرازی مشهور به شانه‌ساز

۵- آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی

آیت الله محمدحسین غروی اصفهانی پس از ارتحال «آخوند خراسانی» و در حوالی سال ۱۳۲۹ هجری قمری مستقلاً بر کرسی تدریس و ارشاد تکیه زد و در این مدت چندین بار دوره های اصول و فقه را تدریس کرد.

مکتب تربیتی علامه آیت الله غروی اصفهانی از پربرکت ترین مکتب های شیعه به شمار می رود. گستره ی دانش این نابغه ی دهر، از اصول و فقه و حکمت و فلسفه تا تفسیر، حدیث، تاریخ، ادبیات، وعظ و خطابه و... را شامل می شد. بر سر خوان علم و دانش و معرفت او از فقیه و محدث و مفسر گرفته تا فیلسوف و عارف و متفکر و نویسنده و واعظ و شاعر به چشم خوردند که هر یک، از این خوان گسترده و این موهبت الهی بهره ها می گرفتند و به شاگردی آن عالم بزرگوار مباهات می کردند.

علامه محمدحسین غروی اصفهانی، بیش از یکصد و پنجاه شاگرد ممتاز تربیت کرد که هر یک از استوانه های حوزه ی علم و معرفت بودند. در این مختصر تنها به نام برخی از شاگردان ایشان اشاره می شود:

- ۱- آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی
- ۲- آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی
- ۳- آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت
- ۴- علامه سید محمد حسین طباطبائی
- ۵- آیت الله سید محمد حجت کوه کمری
- ۶- علامه شیخ عبدالحسین امینی
- ۷- آیت الله شیخ محمد رضا مظفر
- ۸- آیت الله شیخ محمد حسین مظفر
- ۹- آیت الله سید محمد کاظم موسوی حسینی
- ۱۰- آیت الله شیخ سلمان خاقانی
- ۱۱- آیت الله شیخ علی محمد بروجردی
- ۱۲- آیت الله محمد طاهر آل شیخ راضی
- ۱۳- آیت الله میرزا یوسف ایروانی
- ۱۴- آیت الله شیخ اعتماد رشتی

صرف نظر از شاگردان آیت الله غروی اصفهانی، آثاری مکتوب از آن بزرگ مرد بر جای مانده که هر کدام چراغ راهی فراوی جویندگان علم و معرفت است. از آثار مکتوب علامه

غروی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد :

- ۱- الاجتهاد و التقليد و العدالة
- ۲- الاصول على النهج الحديث
- ۳- الطلب و الارادة عند الامامية و المعتزلة و الاشاعرة (بحوث في الاصول)
- ۴- چندین رساله در مباحث مختلف اصولی
- ۵- حاشیه بر رساله "قطع" شیخ انصاری
- ۶- نهاية الدراية في شرح الكفاية (در ۴ جلد)
- ۷- کتاب الاجارة
- ۸- صلاة الجماعة
- ۹- صلاة المسافر
- ۱۰- حاشیه کتاب المكاسب
- ۱۱- حاشیه بر کتاب الطهارة شیخ انصاری
- ۱۲- چندین رساله فقهی
- ۱۳- سه منظومه درباره‌ی اعتکاف، روزه و نماز جماعت
- ۱۴- الوسيلة (توضیح المسائل به زبان عربی)
- ۱۵- ذخيرة العباد (توضیح المسائل به زبان فارسی)
- ۱۶- تحفة الحکیم
- ۱۷- رساله فی اثبات المعاد الجسمانی
- ۱۸- حاشیه بر اسفار ملاصدرا
- ۱۹- مکاتبات فلسفی و عرفانی (مجموعه‌ای شامل ۱۴ نامه در شرح دوبیت شعرا عطار نیشابوری)
- ۲۰- تفسیر قرآن
- ۲۱- الانوار القدسیه
- ۲۲- دیوان مفتقر



سخنانی که شاگردان آیت الله علامه محمدحسین غروی اصفهانی درباره‌ی استاد خود بیان کرده‌اند بسیار است :

آیت الله سید محمدهادی میلانی می‌گوید: «شیعه در دویت سال اخیر فردی به جامعیت مرحوم اصفهانی به خود ندیده است.»

پس از وفات میرزای نائینی، اعلامیه‌ای به امضای مرحوم ملکی تبریزی و حضرات آیات میلانی و خویی به این مضمون انتشار یافت: «بعد از مرحوم شیخ انصاری در این اواخر، نظیر آیت الله غروی اصفهانی در روحانیت تشیع پیدا نشده و در حوزه نجف اشرف، نظیر ایشان نیست.»

آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبائی می‌فرماید: «استاد بزرگ، حکیم خداشناس و فقیه پارسا و دایر مدار آسمان پژوهش و تحقیق و سالک و مرزبان سرزمین دانش و تدقیق، شیخ محمدحسین اصفهانی غروی است که خدا مقام بلندش را بلندتر سازد.»

علامه ادیب محمدعلی اردوبادی می‌نویسد: «استاد بزرگ ما، یکه سوار هر میدان بود. از هر نظر بی‌نظیر می‌نمود و نسبت هر فضیلت به او، مانند نسبت دندان‌های شانه به شانه است... و در هر یک از دانشهای حکمت، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حدیث، شعر و ادب، تاریخ، معارف، اخلاق و عرفان به طور مساوی وارد بود.»

استاد و محقق بزرگوار علامه سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی می‌گوید: «من در تاریخ تشیع، فیلسوفی متعبدتر از آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی نمی‌شناسم. او عاشق دعا و عبادت و شیفته‌ی نماز و زیارت بود و به اهل بیت اطهار علیهم‌السلام ارادت ویژه‌ای داشت.»

علامه شهید استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی در تقوا و علم منقولا و معقولا یگانه بود... و اندیشه‌اش هم اکنون جزو اندیشه‌های زنده‌ای است که در میان علما و فضلاء حوزه‌های درس فقه و اصول مطرح است.»



در وصف شمایل ظاهری و کیفیت رفتار علامه غروی اصفهانی آمده است:

قامتی کوتاه داشت ولی سینه‌اش نسبتاً ستبر بود و کمی چهارشانه می‌نمود. عمامه‌ای کوچک بر سر می‌بست. محاسنی پرپشت داشت. چشمانش با حیا و در عین حال نافذ و تیزبین بود. همیشه سر به زیر بود و هنگام صحبت، بیشتر بر زمین می‌نگریست و به مخاطب خود بیش از نگاهی گذرا نمی‌انداخت.

همیشه در سیمایش ابهامی دیده می‌شد و پیوسته غمی در چهره‌اش نمایان بود. به نظر می‌رسید همیشه مستغرق اندیشه‌ای ژرف است. با وجود این، حاضر جواب و سریع‌الذهن، و سخنانش از چاشنی لطیفه و مزاح برخوردار بود.

محفل درس او گرم و دلچسب بود. سختی و سنگینی مطالب علمی را به مدد گفتار شیرین

و بذله گویی های هنرمندانه برای شاگردان هموار می کرد و این خوش مشربی در کنار هاله ی پر شکوه زهد و وقار و حشمتش، شخصیت او را جذاب تر کرده بود. بسیار آرام سخن می گفت تا جایی که گاه شاگردان از این آرام گویی به فریاد می آمدند. وسعت دانش او همه را به اعجاب و ا می داشت و برای این بیت ابوالعلاء معری مصداقی کامل بود :

لوجثته، لرأیت الناس فی رجل والذهر فی ساعة والارض فی دار
 «اگر به نزد او زوی، همه ی مردم را در یک نفر و همه ی دهر را در یک لحظه و همه ی زمین را در خانه ای خواهی یافت».

باری، سرانجام در روز دوشنبه پنجم ماه ذیحجه سال ۱۳۶۱ هجری قمری، روح بلند آیت الله علامه شیخ محمدحسین غروی اصفهانی به ملکوت پرواز کرد و از فراز بارگاه قدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیه السلام خبر وفات استاد بزرگ نجف به گوش همگان رسید. با شنیدن این خبر غم بار، فضلا و علما و دانشمندان و سایر مردم در اندوهی جانکاه فرو رفتند. ییکر نافه ی نجف و خادم صادق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تشییع شد و در آستان قدس علوی، زیر ایوان طلای مولا، جنب مناره ی شمالی در مقبره ی کوچکی در کنار مقبره ی علامه جلی به خاک سپرده شد.



کتاب «الانوار القدسیه» اثر گرانسنگ مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدحسین غروی اصفهانی است و مجموعه ی اشعاری را شامل می شود که علامه ی غروی در مدح و مرثیه ی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به زبان عربی سروده است.

آنچه این اثر را از اهمیت خاص برخوردار کرده، نوع نگاهی است که به مقوله ی مدح و مرثیه دارد. در ادبیات شیعه، آثاری که در این حوزه پدید آمده بی شمار است. در طول تاریخ پرفراز و نشیب تشیع، شعرای فراوانی به عرصه ی مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام و نیز مرانی آن ذوات مقدسه وارد شده و از خود آثاری درخشان به جای گذاشته اند. لیکن به ندرت به اشخاصی برخورد می کنیم که با بهره گیری از دانشهای گوناگون خود، به این کار همت گماشته اند.

سوگ سروده های عاشورایی، غالباً آثاری است که یک شاعر، آن را تنها از منظر شعر و ادبیات آمیخته با باورهای مذهبی به وجود آورده است. لیکن آنگاه که شخصیتی چون مرحوم علامه غروی اصفهانی که در او علوم مختلف از فلسفه و عرفان گرفته تا فقه و کلام و... جمع

آمده است. به مدیحه سرایی و مرتبه‌گویی اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد، اثر او صرفاً شعر نیست بلکه از شعر تنها به عنوان ظرفی استفاده شده، برای محتوایی که فلاسفه، فقها، عرفا و متکلمین و بسیاری دیگر مخاطب آنند و از آن بهره می‌گیرند.

جایگاه ویژه و حائز اهمیت اشعار کتاب ارزشمند «الانوار القدسیه» ما را بر آن داشت تا قدمی در جهت معرفی این اثر برداریم. پس بر آن شدیم تا گزیده‌ای از اشعار این کتاب را به فارسی برگردانیم تا در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

در این کار، نخست ابیاتی از منظومه‌ی پنج تن علیهم‌السلام انتخاب و به فارسی ترجمه شد. سپس به جهت اینکه بر بار ادبی کار بیفزاییم و آن را تبدیل به متنی فاخر و کلامی آهنگین نماییم، متن ترجمه شده، به کلام ادبی و نثری مسجع برگردانده شد و نهایتاً کار به صورت ترجمه‌ای آزاد، از گزیده‌ی اشعار مرحوم علامه غروی اصفهانی در مدح و مرتبه‌ی پنج تن علیهم‌السلام درآمد. باشد تا به مهر قبول اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مزین گردد.

نور الهی است که خورشید و شمس از خورشید نور الهی می تابد،
و بی هیچ حجاب و پرده ای ظهور می یابد.

آن نور بر فروغ عالم اسماء نور احمد است،
آن نور بر فروغ جمال محمد است.

همو که مبدأ تجلی عالم وجود،
از سوی خداوند هستی بخش بود.

اوست پدر عقول و نفوس جمله ی آدمیان،
اوست منشاء قدرت و نقش آفرین اصلی همه ی عالمیان.

او، اصل اصول و علت العلل است،
او، عقل عقول، اول اول است.

حقیقت کامل حقایق جز او کیست؟
جوهر جواهر عالیه ، جز او نیست.

لا اشاره به حدیث «اولها خلق الله العقل»
اولین خلقت خدا عقل است.

بحار الانوار ج ۱، ص ۱۰۲

۲. جمع جوهر، گوهرها.